

بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه ها از نظر دانشجویان
(مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)

دکتر علیرضا کلدی^۱، فاطمه فلاح مین باشی^۲

چکیده

امروزه از کارکردها و رسالت‌های کلیدی دانشگاه‌ها در کنار اهتمام به وظایف و کارکردهای علمی، رسالت‌های اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌هاست که به شدت مورد تاکید قرار گرفته است. اگرچه کارکردهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه که شامل تولید، اشاعه و آموزش دانش و تربیت نیروی متخصص است، اهمیت خاصی دارد و جزو وظایف ذاتی دانشگاه‌هاست، اما کارکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه که شامل؛ کمک به رشد و توسعه فرهنگی، آگاهی تاریخی، سرمایه فرهنگی، مشارکت اجتماعی و تجدید حیات جامعه، جامعه‌پذیری، تعالی معنوی و . . . است، اهمیت خاصی یافته و ضرورت توجه به آن به یک مسئله حیاتی بدل شده است. لذا با توجه به اهمیت و ضرورت این مسئله، هدف کلی پژوهش، بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها و میزان تحقق‌پذیری آن‌ها از دیدگاه دانشجویان با در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده‌هایشان می‌باشد. تحقق هدف فوق و شناخت دقیق ابعاد مسئله، در گرو ارزیابی تحقیقات و مطالعات پیشین و امان‌نظر در نظریه‌های موجود است. در راستای تحقق این مهم، مسئله پژوهش در پرتو نظریه کارکردگرایی و مدل نظری AGIL، با استفاده از روش تحقیق پیمایشی دیدگاه‌های دانشجویان مورد تحلیل و مذاقه قرار گرفته است. بر اساس نتایج این تحقیق، ارزیابی دانشجویان در خصوص کارکردهای دانشگاه در سطح نسبتاً خوب بوده است، بطوریکه بین سرمایه فرهنگی و سن، مقطع تحصیلی و نیز رشته تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری نشان داده می‌شود. همچنین بین تعالی معنوی و سن و رشته تحصیلی نیز رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: کارکرد، سرمایه فرهنگی، جامعه‌پذیری، مشارکت جمعی، تعالی معنوی، آگاهی تاریخی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۲

^۱ - استاد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی (نویسنده عهده دار مکاتبات) arkaldi@yahoo.com

^۲ - کارشناس ارشد علوم اجتماعی

مقدمه

از آن جا که در دنیای امروز دانشگاه یکی از نهادهای اصلی محسوب می شود، لذا عدم توجه به دانشگاه و رسالت های آن، تبعات زیانباری می تواند برای جامعه داشته باشد زیرا جوامع نوین انباشته از مسائل و مشکلات پیچیده ای است که دانشگاه ها می توانند در رفع و پیشگیری میزان قابل توجهی از آن ها کمک کنند. از طرف دیگر نگاه گذشته به مسولیت دانشگاه، بیشتر آموزشی بوده است اما با رشد جوامع انسانی و به ویژه بعد از انقلاب صنعتی، هرروزه نیازها و خواسته های بشری افزوده تر و مطالبات متنوع تر گردیده است. در خصوص قشر دانشجو که دارای جایگاه و ویژگی های خاص خود در سطح جامعه است این مطالبات و نیازها پیچیده تر و حساس تر شده است و به دنبال آن انتظارات جامعه نیز از دانشگاه تغییر کرده و نقش تازه ای مطابق خواسته های جدید برای دانشگاه در کنار رسالت قبلی (انتقال علم و دانش) در نظر گرفته شده است. اما آن چه مسلم است در این تغییر و تحولات، ضرورت کارکرد دانشگاه در زمینه های اجتماعی و فرهنگی پررنگ تر و قابل توجه تر گشته است. بنابراین نقشی که برای دانشجوی امروزی و ویژگی های وی تعریف می شود دستخوش این تغییرات بوده است. امروزه از دانشگاه انتظار می رود در رفع و کاهش نیازها و خلاءهای فرهنگی و اجتماعی همپای علم و دانش در سطح جامعه بکوشد چرا که «ایفای نقش صرفاً آموزش و تربیت نیروی بازار کار را می توان بر عهده آموزشگاه های تخصصی و فنی و حرفه ای ها نیز گذاشت ولی تنها این دانشگاه ها هستند که مامورند انسان هایی حساس به مسائلی نظیر فقر، نابرابری، آلودگی محیط زیست، دارای مسولیت اجتماعی و متعهد به حفظ اصول و با روحیه انسانی تربیت کنند» (کالینگفورد، ۲۰۰۴، صص ۲۴۸-۲۵۲). همچنین برخی فعالان فرهنگی دانشگاه ها معتقدند که بسیاری از مسائل و آسیب های اجتماعی دانشجویان را می توان با اقدامات فرهنگی پیشگیری و جلوگیری کرد.

از سویی دیگر تعامل آموزش عالی و جامعه همواره مورد توجه پژوهندگان حوزه آموزش عالی بوده است. زیرا اعتقاد به نجات بخشی علم از دیرباز انتظارات خاصی را از آموزش عالی برای برطرف نمودن نیازهای ثابت جامعه و برخورداری از انعطاف لازم برای همسویی با شرایط متغیر جامعه ایجاد کرده بود. در پی تحولات گسترده دهه های اخیر، تقویت رابطه آموزش عالی با جامعه و جدی تر گرفتن مسولیت آن نسبت به جامعه بیش از پیش مورد تاکید قرار گرفته است و ضرورت یک انقلاب دانشگاهی برای بازیابی وظایف دانشگاه ها و کامیابی آن ها در انجام وظایف خود

گوشزد شده است (الویری، ۱۳۸۱، ص ۵۴۳). لذا برای رسیدن به این هدف در گام اول، شناخت و بررسی کارکردهای غیر علمی دانشگاه (فرهنگی و اجتماعی) ضروری به نظر می‌رسد.

در همین راستا نهادهای آموزش عالی می‌توانند با تولید فکر، نقد و اصلاح اندیشه‌ها، تامین نیروی انسانی کافی و متخصص، جامعه‌پذیری شهروندان، مشارکت سیاسی و اجتماعی، بالابردن سرمایه فرهنگی و... شرایط توسعه و تکامل همه جانبه جامعه را طراحی کند.

بنابراین دانشگاه به عنوان سرسیستم رسمی آموزش و کانون پرورش نخبگان و برگزیدگان آتیه کشور است و فارغ التحصیلان گردانندگان امور مختلف دولتی و ملی خواهند شد. لذا دانش و بینشی که این افراد در دانشگاه‌ها پیدا می‌کنند و به صورت قابلیت‌ها، توانایی‌های فنی و تخصصی، نگرش‌ها و گرایش‌ها در آنان ظاهر می‌شود عامل بسیار موثری در شکل‌گیری خوی و منش اجتماعی و سوگیری آن‌هاست. در حقیقت دانشگاه است که آینده علمی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را پی‌ریزی می‌کند. همچنین دانشگاه به عنوان مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علمی و فرهنگی مهد نوسازی اجتماع است زیرا محلی است که در آن افکار و اندیشه‌های جدید دانش و معرفت جدید تکنولوژی متحول و فرهنگی خلاق و پویا نشو و نما می‌کند (آگاه، ۱۳۴۲، ص ۲۲۹).

همین طور یاسپرز در کتاب خود به نام ایده دانشگاه می‌نویسد: «فرهنگی که از دانشگاه منشاء می‌گیرد بینش علمی پیدا می‌کند. منظور از بینش علمی این است که انسان بتواند عینیت را جانشین ذهنیت سازد یا به عبارت دیگر عقاید و نظرهای شخصی، تمایلات ذهنی، اغراض، تعصبات و پیش‌داوری‌های خود را کنار بگذارد و به مسائل و پدیده‌ها با نظر علمی نگاه کند و جوانب مختلف امر را تجزیه و تحلیل کند. بینش علمی نه تنها موجب می‌شود که مرزهای دانش گسترده و پیش‌رانده شود بلکه در شخصیت افراد و عادات ذهنی، طرز تفکر و برخورد آن‌ها با مسائل تاثیر عمیق می‌گذارد. اگر بینش‌مندی علمی در میان گروهی استوار گردد فرهنگ آن گروه صورت علمی پیدا می‌کند. فرهنگ علمی از یک سو به رئالیسم (واقع‌گرایی علوم طبیعی و تجربی) تکیه دارد و از سوی دیگر به اومانیزم (انسان‌سالاری علوم اجتماعی). این ایده آلیسم‌های فرهنگی هر دو به پژوهش علمی متکی هستند. یکی برای شناخت و بررسی پدیده‌های طبیعی و دیگری برای شناخت و بررسی ماهیت رفتار و روابط اجتماعی. این چنین فرهنگی عقاید و آداب و رسوم، سنن و آموخته‌های گذشته یعنی میراث فرهنگی را بدون فکر و کورکورانه نمی‌پذیرد بلکه به تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌پذیرد و آن‌ها را با معیارهای منطقی و خرد و دانش می‌سنجد. به جای

آن که فقط از یک سو به مسائل و پدیده‌ها بنگرد، دریچه‌های نگرش گوناگون ارائه می‌کند و افق دید را وسیع می‌سازد. استقلال فکری قضاوت و سنجش عینی فرهنگی را تشویق می‌کند و دائماً در راه دستیابی به حقیقت و دانش صحیح در تکاپو است. آموخته‌های نادرست، آداب و رسوم و سنت‌های دست و پاگیر را به آسانی دور می‌ریزند و دانش، بینش و ارزش‌های انسانی را که محصول کاوش‌های علمی است جانشین آن‌ها می‌سازد و به این ترتیب فرهنگی پویا که دائم در حال تعالی است به وجود می‌آورد». شیلز استاد جامعه‌شناسی و فلسفه اجتماعی در دانشگاه شیکاگو در این زمینه بیان داشته است: «دانشگاه‌هایی که نتوانند چنین فرهنگی را حداقل در محیط خود پرورش دهند از رسالت اصلی خود باز مانده‌اند» (آگاه، ۱۳۴۲، ص ۲۵۳).

در این مقاله به دنبال آن هستیم که بدانیم کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها شامل چه مواردی می‌شود؟، ارزیابی دانشجویان به عنوان جامعه مخاطب نهاد دانشگاه در خصوص میزان تحقق‌پذیری کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه چیست؟ و به عبارت دقیق‌تر دانشگاه‌ها تا چه حد توانسته‌اند رضایت مخاطبان خود را در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی جلب نمایند. همچنین عواملی همچون ویژگی‌های فردی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده دانشجویان تا چه حد در این ارزیابی‌ها تاثیرگذار می‌باشد؟

در این پژوهش دیدگاه تالکوت پارسونز منشا الهام و نقطه عزیمتی برای دستیابی به یک چارچوب نظری مناسب است. پارسونز یک نظام، سلسله مراتبی سبیرنتیک را ذکر می‌کند و معتقد است که کار ویژه نظام فرهنگی، کنترل و نظارت از طریق تولید دانش و اطلاعات است و بدین وسیله نقش یک ترموستات را ایفا می‌کند. اگر خرده نظام‌های اقتصادی و سیاسی، انرژی یک نظام را تامین می‌کنند، ترموستات فرهنگی یک نظام میزان انرژی را معلوم می‌کند. اگر دانشگاه بتواند نقش فرهنگی خود را به خوبی ایفا کند، آن وقت است که به نظام سیاسی نیز باید خط بدهد. باید برای نظام اجتماعی نیز الگو و راهنمای عمل باشد و برای نظام اقتصادی نیز قابلیت‌های لازم را تامین و نیروی انسانی مورد لزوم را تربیت کند و ظرفیت انطباق نظام را با محیط افزایش دهد. اگر در مجموع -ولو فهرست وار- کارکردهای خرده نظام‌های دیگر ذکر شود، واضح‌تر خواهد بود، ما در نظام اجتماعی به دنبال انسجام و ثبات یک جامعه، در نظام سیاسی به دنبال تحقق اهداف تعهدآور یک نظام و در نظام اقتصادی به دنبال انطباق نظام با محیط اطراف هستیم. دانشگاه آن جایی است که ظرفیت انطباق با محیط اعم از فیزیکی و اجتماعی را افزایش می‌دهد، انطباق نیز

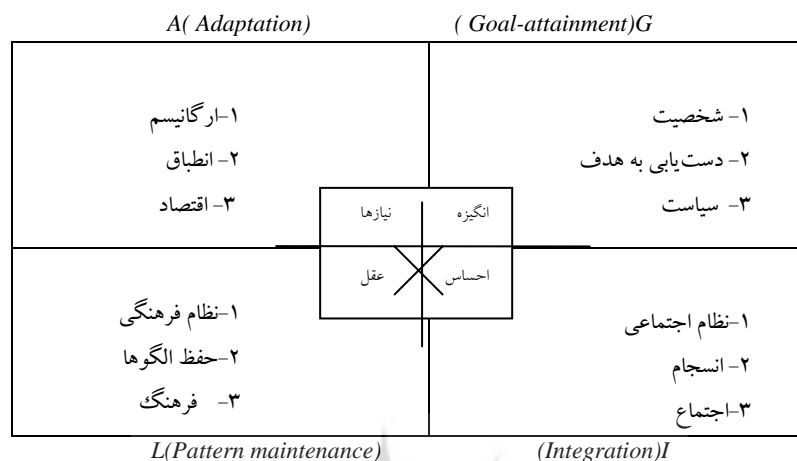
بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه ها از نظر دانشجویان.....۷۵

تنها به معنای هماهنگی با طبیعت نیست. البته در یک معنا باید با طبیعت و هستی‌شناسی آن هماهنگ بود، اما در اینجا به معنای احاطه، تسلط و کنترل بر آن به منظور رفع نیازهای انسانی است. افزایش قابلیت‌های طبیعت نیز مورد نظر است که در دانشگاه باید این قابلیت‌ها افزایش یابد و سامان‌بخش این سازگاری باشد. دانشگاه است که اهداف سیاسی و استراتژی نظام سیاسی را تعیین می‌کند و تامین‌کننده الگوی ثبات اجتماعی است (محسنی، ۱۳۷۸، ص ۱۳).

ابعاد کارکردی	زیر نظام‌ها	تبادل‌های سایبرنتیک
L حفظ الگوها	نظام فرهنگی	کنترل اطلاعاتی
I انسجام	نظام اجتماعی	بالا
G هدف‌یابی	نظام شخصیت	پایین
A انطباق	ارگانیسم رفتاری	بالا
		پایین
		شرایط انرژی

شکل شماره (۱) مراتب کنترل سایبرنتیک به زبان تصویر منبع (عبدالمهی، ۱۳۸۲)

معمولاً از آن‌جا که دانشجو و دانشگاه قبل از مردم و جامعه به پیش‌بینی خطرات آتی و نقد عملکرد دولتمردان می‌پردازند. لذا اعتراض دانشجویی نیز یک علامت و هشدار است و از این دیدگاه یک فرصت به شمار می‌رود. از دید پارسونز جایگاه دانشگاه‌ها در حیطه فرهنگی جامعه (حیطه نرم‌افزاری) قرار دارد. الگوی آجیل (AGIL) پارسونز، خرده فرهنگ در جایگاه اطلاعات است که وظیفه اطلاع‌رسانی به نظام‌های حوزه سیاست است که پیوسته باید از طرف حوزه فرهنگ حمایت اطلاعاتی شود. در صورتی که این روند معکوس شود به تعبیر مرتون نظام دچار کژکارکرد می‌شود. دانشگاهیان در حد یک منتقد سیاسی باید بر کارکرد سیاست اشراف و نظارت داشته باشند و در صورتی که منفعلانه عمل کنند و تحت تاثیر بازی‌های سیاسی قرار بگیرند و یا به بازی‌های سیاسی کشیده شوند رسالت اصلی دانشگاه، اهداف و کارکرد آن دچار تناقض و تضاد می‌شود. بنابراین در این حوزه، شناخت و نقد سیاست امری لازم و ضروری است (محسنی، ۱۳۷۸، ص ۱۶).



شکل شماره (۲) شمای مدل AGIL پارسونز منبع (عبداللهی، ۱۳۸۲)

این رویکرد جامعه را به ارگانسیم انسانی تشبیه کرده و اجزای تشکیل دهنده آن از طریق ایفای نقش‌های محول و در ارتباط با یکدیگر (روابط متقابل) موجبات بقاء نظم اجتماعی را فراهم می‌سازند. در این دیدگاه نظام آموزشی به عنوان بخش لاینفکی از کل جامعه تلقی می‌گردد همان‌طوری که قلب و مغز برای بقاء موجود بشری ضروری می‌باشد نظام آموزشی نیز برای بقاء جامعه لازم است (بالتین، ۱۹۹۹، ص ۲۵). کارکردهایی نظیر انتقال فرهنگ و جامعه‌پذیری را برای حفظ نظام اجتماعی انجام می‌دهد. به عنوان نمونه در نظر پارسونز مقوله آموزش عالی نقش مهمی در فرایند جامعه‌پذیری، درون‌سازی و انتقال ارزش‌ها دارد. چنانکه در این چشم‌انداز، پارسونز تفاوت مهمی در فرایند جامعه‌پذیری آن‌هایی که به آموزش عالی دست می‌یابند و آن‌هایی که دست نمی‌یابند می‌بیند. منشاء این تمایز در تفاوت‌هایی است که به عقیده پارسونز میان دبیرستان و دانشگاه و میان فرهنگ نوجوانان و فرهنگ دانشجویی وجود دارد (روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶). به زعم پارسونز جوانانی که موفق به طی تحصیلات آموزش عالی می‌شوند شخصیتی به مراتب افتراقی‌تر از آن‌هایی پیدا می‌کنند که در پایان دوره دبیرستان به تحصیلاتشان خاتمه داده‌اند.

همچنین از نگاه بورديو می‌توان گفت آموزش وسیله‌ای است که جامعه مدرن برای انتقال سرمایه فرهنگی اختراع کرده است. از این نظر، آموزش و به ویژه آموزش عالی بر تثبیت

مکانیسم‌های انتخاب، مشروعیت بخشیدن و اعتبار بخشیدن تمرکز دارد و تربیت اخلاقی، احترام به آزادی، حرمت فرد و انضباط به منظور ایجاد نظم و وفاق اجتماعی مهم تلقی می‌شود. در مجموع به طور خلاصه این گونه می‌توان بیان کرد که «جامعه‌شناسی غالباً نهاد آموزشی را به عنوان یک نهاد اجتماعی تحلیل می‌کند که برخی از کارکردهای نهاد آموزشی را می‌توان بدین ترتیب برشمرد؛ انتقال فرهنگ، انسجام و یگانگی اجتماعی، تغییر و نوآوری، پرورش آگاهی اجتماعی و سیاسی افراد، آموزش حرفه‌ای و تامین متخصص لازم (علاقه‌بند، ۱۳۷۲، صص ۲۱-۳۰). بدین ترتیب در این پژوهش تعیین مهم‌ترین کارکردهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها براساس چارچوب نظری و اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی در حوزه فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته است. بنابراین تحقیق‌پذیری کارکردهای فرهنگی شامل؛ افزایش سرمایه فرهنگی، آگاهی تاریخی و تعالی معنوی و کارکردهای اجتماعی را جامعه‌پذیری دانشجویان، افزایش اعتماد به نفس و روحیه خودباوری و ایجاد زمینه برای مشارکت جمعی دانشجویان مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته ناگفته نماند که کارکردهای اجتماعی- فرهنگی دانشگاه‌ها به همین چند کارکرد ذکر شده ختم نمی‌شود و قطعاً موارد زیادی را در برمی‌گیرد. اما در این مطالعه سعی شده است تنها مهم‌ترین‌ها، برگزیده و مورد بررسی قرار گیرد.

روش

در این مطالعه، اساس کار استفاده از روش پیمایش بوده است و برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه خودگزارشی و ساختمان استفاده شده است. جمعیت آماری نیز شامل دانشجویان کلیه مقاطع و گروه‌های تحصیلی دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد که برای مطالعه موردی موضوع، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی انتخاب شده است. حجم نمونه با فرض خطای نمونه‌گیری قابل قبول ($d=0,05$) و پراکندگی ۵۰٪ به ۵۰٪، ۳۸۴ نفر محاسبه گردید که برای جلوگیری از ریزش نمونه، این حجم به ۴۲۰ نفر افزایش یافت و ۴۰۰ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت. شیوه نمونه‌گیری نمونه‌گیری چندمرحله‌ای بوده است و براساس آمار کلیه دانشجویان جامعه نمونه به تفکیک جنس، مقطع و گروه تحصیلی انتخاب و مورد پرسش قرار گرفتند. پرسشنامه‌ها در دانشگاه و پس از توضیح کافی پرسشگران در خصوص هدف پژوهش و جلب اعتماد و رضایت کامل پاسخگویان جمع‌آوری شده است.

یافته های تحقیق

بررسی ویژگی های زمینه ای در میان جمعیت نمونه نشان می دهد که حدود نیمی از دانشجویان مورد بررسی را مردان و ۴۹,۳ درصد دیگر را زنان تشکیل داده اند. همچنین ۸۰ درصد پاسخگویان زیر ۳۰ سال سن داشته و میانگین سنی دانشجویان پاسخگو ۲۵,۵ سال می باشد. از نظر گروه تحصیلی، اکثریت پاسخگویان (۴۶,۵ درصد) را دانشجویان فنی و مهندسی، ۲۸ درصد علوم انسانی، ۲۲,۳ درصد دانشجویان علوم پایه، ۲,۳ درصد دانشجویان پزشکی و پیراپزشکی و تنها ۱ درصد را گروه هنر بوده اند و ۴۳,۳ درصد از پاسخگویان از مقطع کارشناسی ارشد بوده و همچنین ۴۲ درصد در مقطع کارشناسی و ۱۴,۸ درصد نیز در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بوده اند.

همچنین با در نظر گرفتن شاخص پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده، اکثریت دانشجویان (۷۴,۸ درصد) جزو طبقه متوسط هستند. در حالی که ۱۱,۵ درصد از طبقه پایین و ۱۳,۸ درصد نیز از طبقه بالا جامعه بوده اند.

در مجموع بررسی ارزیابی دانشجویان از عملکرد دانشگاه در خصوص تحقق پذیری کارکردهای اجتماعی و فرهنگی نشان دهنده نگرش نه چندان مثبت آن هاست و اکثریت دانشجویان قائل بر ناموفق عمل کردن دانشگاه در حوزه های فرهنگی و اجتماعی است. زیرا نتایج بررسی ها گویای آن است که؛

ایجاد زمینه و تشویق در جهت مشارکت جمعی: هیچ دولتی نمی تواند بدون مشارکت جدی مردم به امر توسعه دست یابد و مسائل جامعه را حل و فصل نماید لذا دانشگاه بستر مناسبی است برای آموزش، ممارست و پرورش رفتار مشارکت جمعی شهروندان جامعه. بنابراین از کارکردهای مهم اجتماعی دانشگاه ها تحقق پذیری مشارکت جمعی دانشجویان با ایجاد زمینه و تشویقات لازم ز سوی دانشگاه هاست. یافته های به دست آمده حاکی از آن است اکثریت دانشجویان پاسخگو (۶۱ درصد) معتقدند که دانشگاه در زمینه سازی و ایجاد فضای لازم برای مشارکت و تقویت فعالیت های جمعی دانشجویی موفق نبوده است و تنها حدود ۱۰ درصد از پاسخگویان فعالیت و برنامه های دانشگاه را در حوزه افزایش مشارکت جمعی دانشجویان مثبت ارزیابی کرده اند. از نظر دانشجویان، فعالیت ها و برنامه های دانشگاه را به طور میانگین ۲,۳۴ در راستای فراهم کردن و ایجاد زمینه برای مشارکت جمعی بوده که نشان دهنده عملکرد ضعیف دانشگاه در این زمینه است.

افزایش سرمایه فرهنگی: تاثیر دانشگاه بر فرهنگ و ویژگی‌های اجتماعی در جامعه تاحدی بدیهی گشته است تا جایی که می‌توان با سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و برنامه‌ریزی‌های دقیق و کامل در انجام رسالت اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها، به آینده کشورها در کلیه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خوش‌بین و امیدوار بود. سرمایه فرهنگی انواع گوناگون دانش و هنر مشروع را در برمی‌گیرد و به قول بوردیو از جمله دارایی‌هایی است که دانشگاه نقش مهمی در انتقال و افزایش آن به جامعه مخاطب خود (دانشجویان) دارد. لذا از کارکردهای فرهنگی مهم دانشگاه افزایش سرمایه فرهنگی دانشجویان می‌باشد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد؛ ۱۸,۳ درصد از دانشجویان امکانات و برنامه‌های فرهنگی دانشگاه را، برای افزایش سرمایه فرهنگی دانشجویان مناسب ارزیابی کرده‌اند. این در حالی است که بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۳,۳ درصد) برداشت مثبتی نداشته و معتقدند فعالیت‌ها و امکانات دانشگاه برای بالابردن سرمایه فرهنگی دانشجویان کافی نیست. بنابراین از نظر دانشجویان دانشگاه به طور میانگین ۲,۴۹ درصد توانسته است سبب افزایش سرمایه فرهنگی دانشجویان به عنوان یکی از دارایی‌های مهم و اساسی جامعه امروز شود.

افزایش آگاهی تاریخی: آگاهی از چشم‌اندازهای تاریخی عامل بسیار مهمی است. در واقع وضع موجود و روند ممکن آینده را تنها در پرتو تجربه گذشته می‌توان به درستی ارزیابی کرد. به بیان دیگر تاریخ مملو از، نمونه‌هایی از تغییر روندهاست و در واقع حادثترین حالت تغییرات مربوط به مسائل نیروی انسانی بوده است. لذا شرط لازم در این تخمین، براساس سابقه تاریخی و وجود آمارهای موثق در یک دوره طولانی است (فولتن، ۱۳۷۶). در همین راستا افزایش آگاهی تاریخی دانشجویان یکی از کارکردهای فرهنگی دانشگاه در نظر گرفته شده است و بررسی میزان تحقق‌پذیری کارکرد آگاهی تاریخی دانشگاه در پنج بعد تاریخ باستان، تاریخ اسلام، تاریخ معاصر، تاریخ جهان و تاریخ علم سنجیده شد که یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد تنها ۱۰,۳ درصد از دانشجویان پاسخ‌دهنده، دانشگاه را در انتقال و افزایش آگاهی‌های تاریخی موفق دانسته‌اند. در مقابل اکثریت افراد نمونه (۶۶,۸ درصد) عملکرد دانشگاه را در این زمینه ناموفق ارزیابی نموده‌اند. میانگین به دست آمده (۲,۰۷ درصد) نیز بیانگر ضعف عملکرد دانشگاه از نگاه دانشجویان می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در مجموع فضای رضایت‌بخشی از طرف دانشجویان در این باره وجود نداشته است.

تعالی معنوی: واژه روح و معنویت پاسخی به احساس پوچ بودن است که از جامعه فراصنعتی و نگرش مطلق اقتصادی به همه امور و زندگی ماشینی ناشی می‌شود و پژواک آن هویت فردی، خانوادگی، ملی، دینی، اجتماعی و فرهنگی را زیر سوال برده است. در واقع یک نوع مسمومیت و مسخ فرهنگی که طبعاً درصدد انسانیت‌زدایی نیز هست و در حال پیشروی است. در اینجا وظایف مدارس و علی‌الخصوص دانشگاه‌ها که از بضاعت علمی و فرهنگی بالاتری برخوردارند سنگین‌تر جلوه می‌نماید.

با بررسی نگرش دانشجویان از برنامه‌ها و فعالیت‌های مذهبی دانشگاه و این‌که چقدر در راستای افزایش دینداری و تعالی معنوی دانشجویان بوده است نتایج حاصله بیانگر این است که تنها ۲۶٫۸ درصد از پاسخگویان دانشگاه را در تحقق‌پذیری کارکرد تعالی معنوی موفق دانسته‌اند. در مقابل ۳۶٫۱ درصد بیان داشته‌اند که متأسفانه برنامه‌های دانشگاه در راستای کارکرد تعالی معنوی دانشجویان قرارنگرفته است. میانگین ارزیابی‌ها ۲٫۸۶ می‌باشد که نشان‌دهنده آن است که ارزیابی دانشجویان در میزان تحقق‌پذیری این کارکرد در حد «نسبتاً کم» بوده است.

افزایش اعتماد به نفس و روحیه خودباوری: دانشگاه فرزندان ما را آموزش می‌دهد، در دوره گذر از جوانی تا بزرگسالی و تا استقلال علمی در دوره‌های پیشرفته به آن‌ها کمک می‌کند بنابراین در همین دوران است که از دانشگاه انتظار می‌رود در کنار تخصص و مهارت علمی، احساس توانمندی نسبت به استعدادها و توانایی‌ها، عزت نفس، روحیه خودباوری دانشجویان را ایجاد و تقویت نماید و در هرچه بارورتر شدن این باورها به دانشجویان که سازندگان آتی جامعه هستند کمک نماید. بر همین اساس ارزیابی نمونه مورد بررسی نشان داد؛ ۲۰٫۸ درصد از افراد نمونه، تاثیرگذاری دانشگاه در افزایش روحیه خودباوری و اعتماد به نفس را زیاد دانسته‌اند. درحالی‌که نزدیک به نیمی از پاسخگویان (۴۷٫۸ درصد) نظری مخالف داشته و ارزیابی مثبتی در این زمینه نداشته‌اند و نهاد دانشگاه را در ایجاد روحیه خودباوری و اعتماد به توانمندی‌های خود چندان موثر نمی‌دانند. حدود یک سوم نیز (۳۱٫۵ درصد) شکل‌گیری اعتماد به نفس دانشجویان با برنامه‌ها و فعالیت‌های دانشگاه را در حد متوسط ارزیابی نموده‌اند.

جامعه‌پذیری: امروزه دیگر خانواده تنها نهاد اجتماعی شدن نیست. مدرسه، دانشگاه، محل کار و رسانه‌ها نیز در فرایند اجتماعی شدن فرد و ایجاد عادتواره‌ها و شیوه بودنش نقش بسیار دارند. محیط‌هایی که فرد از آن تغذیه می‌کند و عادات اولیه وی را در برخوردش با جهان‌های متفاوت،

بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها از نظر دانشجویان..... ۸۱

می‌سازند، متکثرند. در نتیجه مثلاً دختر می‌تواند در محیط خانوادگی‌اش برای ایفای نقش مادر و همسر نمونه تربیت شود اما در دانشگاه برای فمینیست شدن فعالیت کند (معدفر، ۱۳۸۷). در واقع، در دنیای مدرن، دانشگاه، جایگزین بسیاری از نهادهای جامعه‌پذیری شده که در گذشته وجود داشته‌اند؛ از جمله نهاد خانواده و نهاد دین یا کلیسا. بسیاری از کارکردهای این نهادها عملاً به دانشگاه انتقال پیدا کرده و این امر به صورت سلسله مراتب، خود به خود به رده‌های بعدی هم کشیده شده است. بدین ترتیب، محصولات دانشگاه‌ها را در مدارس تدریس می‌کنند و اندیشه‌ها و ارزش‌هایی را که از دانشگاه فراگرفته‌اند انتقال می‌دهند. از سوی دیگر، این افراد با ورود به ادارات، سازمان‌ها و بسیاری از نهادهای مدرن امروزی، این روند انتقال و گسترش را پی می‌گیرند. دانشگاه‌ها به هنجارمند کردن، اعتدال و به عبارتی شهروندپروری در جامعه مدرن می‌پردازند و انسان‌هایی که هرچه بیشتر در معرض چنین آموزه‌هایی قرار می‌گیرند، بهتر می‌توانند خود را با جامعه مدرن سازگار کرده و از یک سو، در تغییر و تحولات جامعه و از سوی دیگر، در بقای نظام اجتماعی جامعه مهم و موثر باشند بنابراین برای سنجش متغیر جامعه‌پذیری، میزان ایجاد انگیزه از طرف دانشگاه برای رعایت قوانین و هنجارهای موجود در جامعه از دانشجویان، سوال شد که نتایج شاخص کلی جامعه‌پذیری حاکی از آن است بیش از یک سوم از دانشجویان پاسخگو (۳۶،۱ درصد) اظهار داشته‌اند دانشگاه به میزان زیادی در رعایت قوانین و مقررات موجود ایجاد انگیزه کرده است. در مقابل ۳۳،۵ درصد از افراد نمونه نظری مخالف داشته و نقش دانشگاه را در این زمینه کم‌رنگ ارزیابی نموده‌اند. همچنین میانگین ۲،۹۸ درصدی حاصله بیان‌کننده آن است که دانشگاه در رعایت قانون و عدم قانون‌گریزی دانشجویان تاحدی موفق بوده است.

جدول شماره (۱) نتایج شاخص‌ها

شاخص‌ها	درصد	خیلی زیاد	زیاد	تاحدی	کم	خیلی کم	میانگین
مشارکت‌جمعی	۱۶،۵	۴۴،۵	۲۷،۵	۱،۸	۰،۸	-۲،۳۴	
سرمایه فرهنگی	۹،۰	۴۴،۳	۳۵،۸	۱۰،۳	۰،۸	۲،۴۹	
آگاهی تاریخی	۳۷،۸	۲۹،۰	۲۳،۰	۸،۸	۱،۵	۲،۰۷	
تعالی معنوی	۱۱،۳	۲۴،۸	۳۷،۳	۲۰،۳	۶،۵	۲،۸۶	
اعتماد به نفس و روحیه خودیابری	۲۹،۸	۱۸،۰	۳۱،۵	۱۵،۵	۵،۳	۲،۴۸	
جامعه‌پذیری	۱۳،۵	۲۰،۰	۳۰،۵	۲۶،۸	۹،۳	۲،۹۸	
		میانگین					۲،۳۴

به نظر می‌رسد ویژگی‌های فردی دانشجویان در نگرش و نوع ارزیابی‌ها می‌تواند عامل تاثیرگذاری باشد. لذا در نظر گرفته شد رابطه نگرش دانشجویان در زمینه تحقق‌پذیری کارکردهای اجتماعی و فرهنگی و ویژگی‌های فردی دانشجویان سنجیده شود.

همان‌طور که پیشتر گفته شد ارزیابی دانشجویان در خصوص کارکردهای دانشگاه در سطح نسبتاً پایین بوده است که با در نظر گرفتن دیدگاه‌ها با ویژگی‌های فردی که شامل (جنس، سن، مقطع و گروه تحصیلی) یافته‌های حاصله نشان می‌دهد که؛

مشارکت جمعی: ارزیابی‌های دانشجویان در خصوص تحقق‌پذیری مشارکت جمعی در مقاطع مختلف تحصیلی متفاوت است به عبارتی مقطع تحصیلی بر نوع نگرش دانشجویان نسبت به تحقق‌پذیری کارکرد مشارکت اجتماعی تاثیرگذار بوده است. لذا تفاوت موجود در دیدگاه در مقاطع مختلف، در این موضوع، براساس نتایج آماری به دست آمده، از لحاظ آماری معنادار است. اما بررسی ارتباط این متغیر با سایر ویژگی‌های فردی دانشجویان نشان از عدم وجود رابطه میان ویژگی‌های فردی و دیدگاه آن‌ها در خصوص تحقق‌پذیری کارکرد مشارکت جمعی دانشگاه است. به طوری که اختلاف معناداری بین دانشجویان با ویژگی‌های فردی مختلف از جمله جنس، سن و گروه تحصیلی با ارزیابی در خصوص کارکرد مشارکت جمعی دانشگاه مشاهده نشده است. سرمایه فرهنگی: نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد هرچه سن دانشجویان بیشتر باشد میزان سرمایه فرهنگی ارائه شده از سوی دانشگاه نیز بیشتر خواهد بود و نگرش دانشجویان در خصوص سرمایه فرهنگی با توجه به سن و سال آن‌ها متغیر می‌باشد. لذا فرض رابطه بین سن دانشجویان و نظر آن‌ها در خصوص تحقق‌پذیری کارکرد سرمایه فرهنگی مورد تایید و رابطه بین این دو متغیر از لحاظ آماری معنادار است.

همچنین از دیگر ویژگی‌های فردی دانشجویان که با کارکرد افزایش سرمایه فرهنگی معنادار بوده است گروه تحصیلی بوده است. براساس یافته‌های این پژوهش، رابطه میان گروه تحصیلی و سرمایه فرهنگی دانشجویان، رابطه معناداری است. به این ترتیب، می‌توان قضاوت کرد که میزان سرمایه فرهنگی در میان گروه‌های تحصیلی متفاوت بوده است.

اما براساس نتایج آزمون‌ها، میان مقطع تحصیلی و جنس دانشجویان با سرمایه فرهنگی رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارت دقیق‌تر تحقق‌پذیری سرمایه فرهنگی در میان دانشجویان با در نظر گرفتن مقطع تحصیلی و جنس دانشجویان متغیر نمی‌باشد.

افزایش آگاهی تاریخی: رابطه نگرش دانشجویان در خصوص میزان تحقق‌پذیری کارکرد افزایش آگاهی تاریخی و ویژگی‌های فردی دانشجویان، گویای آن است که متغیر آگاهی تاریخی با ویژگی‌های فردی (جنس، سن، مقطع و گروه تحصیلی) معنی‌دار نشده است. بنابراین فرض وجود رابطه بین دیدگاه دانشجویان در خصوص کارکرد آگاهی تاریخی و ویژگی‌های فردی آن‌ها رد می‌شود. به عبارتی ویژگی‌های فردی عامل تاثیرگذاری بر ارزیابی دانشجویان در این زمینه نمی‌باشد.

تعالی معنوی: در خصوص ارزیابی دانشجویان با توجه به ویژگی‌های فردی‌شان، هیچ‌یک از ویژگی‌های فردی دانشجویان عامل موثری بر نگرش‌شان در خصوص محقق شدن کارکرد تعالی معنوی در میان دانشجویان نمی‌باشد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که دانشجویان با ویژگی‌های فردی مختلف ارزیابی‌های چندان متفاوتی در خصوص عملیاتی شدن کارکرد افزایش تعالی معنوی دانشگاه نداشته‌اند و متغیر ویژگی‌های فردی تاثیرری در نوع ارزیابی‌ها نداشته است.

افزایش اعتماد به نفس و روحیه خودباوری: نتایج بررسی‌ها در خصوص دیدگاه دانشجویان در خصوص عملیاتی شدن کارکرد افزایش اعتماد به نفس و رابطه آن با ویژگی‌های فردی نشان‌دهنده آن است که هیچ‌گونه اختلاف معناداری میان ویژگی‌های فردی و کارکرد افزایش اعتمادبه‌نفس وجود ندارد.

جامعه‌پذیری: براساس سطوح معناداری و ضریب همبستگی رابطه متغیر جامعه‌پذیری و ویژگی‌های فردی دانشجویان معنادار نبوده است و نمی‌توان اختلاف معناداری براساس ویژگی‌های فردی دانشجویان و تحقق‌پذیری کارکرد جامعه‌پذیری دانشگاه مشاهده نمود.

جدول شماره (۲) آزمون تحلیل واریانس متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	جنسیت		سن		مقطع تحصیلی		رشته تحصیلی
	مقدار آماره T	سطح معنی‌داری	آزمون پیرسون	سطح معنی‌داری	F	سطح معنی‌داری	
مشارکت جمعی	۰٫۹۱۹	۰٫۳۵	-۰٫۵۸	۰٫۲۴۶	۳٫۸۳	۰٫۲۲	F ۰٫۴۸
سرمایه فرهنگی	-۰٫۳۵۴	۰٫۷۲	-۰٫۱۹۲(**)	۰٫۰۰	۱۰٫۰۱	۰٫۰۰	F ۳٫۷۰
آگاهی تاریخی	۱٫۳۶۶	۰٫۱۷	۰٫۵۳	۰٫۲۹۰	۲٫۱۳	۰٫۱۲	F ۱٫۳۷
تعالی معنوی	۰٫۰۲۴	۰٫۹۸	-۰٫۲۷	۰٫۵۸۹	۲٫۶۱	۰٫۰۷۴	F ۳٫۲۰
اعتماد به نفس و روحیه خودباوری	۰٫۲۲۹	۰٫۸۱	-۰٫۰۶۸	۰٫۱۷۴	۰٫۰۵۸	۰٫۰۹۴	F ۰٫۷۵
جامعه‌پذیری	-۰٫۰۳۵	۰٫۹۷	-۰٫۰۴۷	۰٫۳۵۳	۰٫۲۴	۰٫۷۸	F ۱٫۱۹

به نظر می‌رسد رابطه دانشگاه و خانواده رابطه‌ای دوسویه می‌باشد زیرا اگر می‌خواهیم در آینده فرزندان فیزیکدان، شیمیدان، زیست‌شناس، روان‌شناس و... داشته باشیم باید آن‌ها را ابتدا در خانه و مدرسه برای ایفای «نقش دانشگاهی» فیزیکدان، ریاضیدان، جامعه‌شناس و انسان‌شناس و غیره آماده کنیم. زیرا در محیط خانواده است که ارزش‌ها و هنجارهای اولیه در ذهن فرزندان شکل می‌گیرد و به مرور با ورود به مدرسه، دانشگاه و جامعه قوام یافته یا تغییر پیدا می‌کند لذا پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده می‌تواند عامل تاثیرگذاری بر نگرش و دیدگاه دانشجویان باشد. براساس همین روابط دانشگاه و خانواده، به نظر می‌رسد ممکن است که پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده بر نوع ارزیابی و نگرش‌های دانشجویان در زمینه‌های کارکردهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها موثر واقع شود که نتایج مطالعه و بررسی‌ها نشان می‌دهد؛ براساس سطح معناداری و میزان ضریب همبستگی حاصله بین دو متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده و دیدگاه دانشجویان در خصوص تحقق‌پذیری کارکردهای اجتماعی و فرهنگی (مشارکت جمعی، جامعه‌پذیری، تعالی معنوی، افزایش اعتماد به نفس، خودآگاهی سیاسی و سرمایه فرهنگی) هیچ‌گونه رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. به عبارت دقیق‌تر شاخص پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده‌های دانشجویان تاثیری در ارزیابی‌شان در خصوص کارکردهای نهاد دانشگاه نداشته و نگرش دانشجویان در این موضوع در طبقات مختلف اقتصادی- اجتماعی اختلاف میانگین معناداری ندارد.

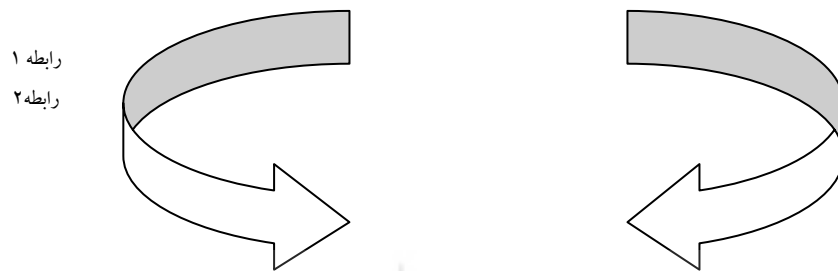
جدول شماره (۳) همبستگی بین متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق		مشارکت جمعی	سرمایه فرهنگی	آگاهی تاریخی	تعالی معنوی	اعتماد به نفس و روحیه خودباوری	جامعه‌پذیری
پایگاه اجتماعی- اقتصادی	سطح معنی‌داری	۰,۴۵	۰,۲۳	۰,۳۲	۰,۹۰	۰,۲۹	۰,۲۱
	آزمون پیرسون	-۰,۰۳۷	۰,۰۵۹	۰,۰۵۰	۰,۰۰۶	-۰,۰۵۳	-۰,۰۶۲

نتیجه‌گیری

دانشگاه، نهاد توسعه نیروی انسانی بوده و تاسیس و راه‌اندازی آن برای تربیت نیروی انسانی در سایر بخش‌ها لازم است؛ ضمن آن‌که خود این نهاد، آثار تربیتی و فرهنگی خاص به همراه دارد. براین‌اساس، دانشگاه مانند ارتش، صنعت و... نتیجه و محصول فرایندهای توسعه‌ای، در

کشورهای در حال توسعه می‌باشد؛ اما شکل‌گیری و رشد این نهاد، خود تأثیر به‌سزایی در توسعه اجتماعی و اقتصادی و تسریع در روند توسعه ملی، به جا می‌گذارد (فیوضات، ۱۳۸۲، ص ۹۳).



توسعه آموزش عالی (فیوضات، ۱۳۸۲، ص ۹۳)

آموزش عالی، مرجع اصلی تامین نیروی متخصص بخش‌های مختلف جامعه، عامل بسترسازی فرهنگی از طریق بالا بردن سطح دانش عمومی و برآورده ساختن نیروهای معنوی جویندگان تحصیل، محل تولید و انباشت دانش و ابزار اصلی انتقال موروث فرهنگی بشر می‌باشد (صالحی، ۱۳۷۴). امروزه بسیاری دیگر از دانشگاه‌های معتبر بر این نکته تأکید دارد که نهاد آموزش عالی باید دانشجویان را آموزش داده، دانش جدید خلق نماید و خدماتی برای جامعه فراهم آورد. این رسالت سه جانبه بیان موجزی از نقشی است که همه دانشگاه‌ها در فرهنگ و یا جامعه دارند. یورگن هابرماس جامعه شناس معاصر نیز سه مسولیت یا رسالت خطیر را برعهده دانشگاه‌های امروزی می‌داند:

۱) تضمین اینکه فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها از حداقل ویژگی‌های لازم در حوزه توانایی‌های فوق کارکردی یا خارج از حد وظیفه برخوردار باشند. (منظور از فوق کارکردی و خارج از حد وظیفه تمامی مسولیت‌ها و رفتارهای مربوط به پی‌گیری یک حرفه تخصصی است که به تنهایی در دانش و مهارت‌های حرفه‌ای - تخصصی یافت نمی‌شوند)

۲) انتقال، تبیین و اشاعه سنت فرهنگی جامعه

۳) شکل دادن خودآگاهی سیاسی دانشجویان (هابرماس، ۱۳۷۳، ص ۹۳).

نگاه کل نگر و همه جنبه وی قادر است ابعاد تخصصی آموزش‌های دانشگاهی را با آنچه برای زیستن در جامعه مدنی لازم است تلفیق کند و نهاد دانشگاه را به سان تغذیه کننده اندیشه در

قالب رسالتی که در دنیای مدرن بر دوش آن نهاده است باز شناسد. دانشگاه جدید نقش مهمی در تقویت حوزه عمومی نیز برعهده دارد. به عقیده دلانتي « نقش دانشگاه این نیست که رهبری معنوی، فرهنگی یا سیاسی جامعه را بر عهده بگیرد بلکه وظیفه دارد مجاری ارتباط در جامعه را بگشاید. دانشگاه به عوض آن که جایی برای اجماع کردن باشد باید در جهت تقویت حوزه عمومی عمل کند» (دلانتي، ۲۰۰۲، ص۷).

داده‌های موجود این امکان را برای ما فراهم می‌کند وضعیت فعلی فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها را از نگاه دانشجویان بررسی کنیم. به عبارتی، اگرچه نمی‌توانیم میزان تحقق یافتن کلیه کارکردهای اجتماعی و فرهنگی نهاد دانشگاه را با جزئیات به دست آوریم، ولی این داده‌ها، بررسی نوع نگرش دانشجویان را در خصوص عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها امکان‌پذیر می‌سازند و در همین اندازه نیز می‌توانند نتایج زیر را آشکار کنند. ما در این تحقیق به شش کارکرد مهم فرهنگی و اجتماعی اشاره و آن‌ها را مورد واکاوی قرار داده‌ایم، براساس داده‌های موجود، دانشجویان نگرش مثبتی در خصوص عملکرد دانشگاه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی ندارد، به طوری که میانگین ارزیابی‌ها از تحقق‌پذیری کارکردهای فرهنگی و کارکردهای اجتماعی در حد « نسبتاً کم» بوده است. همچنین با در ارتباط قرار دادن دو متغیر ویژگی‌های فردی (جنس، سن، مقطع و گروه تحصیلی) و پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده دانشجویان با نگرش دانشجویان، نتایج بررسی‌ها و آزمون‌ها نشان داد که: " به طور کلی از آنجا که نظرات دانشجویان در خصوص میزان تحقق‌پذیری کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها در حد نسبتاً کم بوده است و تفاوت زیادی در میان ارزیابی دانشجویان دیده نشده است لذا با در نظر گرفتن ارزیابی دانشجویان با دو متغیر ویژگی‌های فردی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی، در اکثریت کارکردها اختلاف معناداری مشاهده نشده است. تنها ارزیابی از کارکرد سرمایه فرهنگی با دو عامل سن و گروه تحصیلی دانشجویان، نوع نگرش در خصوص تحقق‌پذیری کارکرد مشارکت اجتماعی دانشجویان با مقطع تحصیلی آن‌ها رابطه‌دار بوده است. در حالی که نگرش دانشجویان در خصوص تحقق‌پذیری سایر کارکردهای فرهنگی و اجتماعی با ویژگی‌های فردی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی رابطه‌ای ندارد. به عبارتی این دو متغیر در ارزیابی‌های دانشجویان چندان تاثیرگذار نمی‌باشند و تغییری در نگرش دانشجویان با لحاظ کردن ویژگی‌های فردی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی رخ نمی‌دهد.

در مجموع نتایج حاصله خود بیانگر آن است که نظرات دانشجویان در خصوص عدم عملیاتی کردن کارکردهای فرهنگی و اجتماعی به عنوان یک مسئله باید مورد توجه قرار گیرد چرا که با توجه به سیالیت دانشجویان و ویژگی‌های سنی آن‌ها توجه به این مسئله شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد و اهمیت بیشتری می‌یابد. به شکل عام می‌توان تصور کرد که به طور متوسط در هر چهار سال بخش عمده‌ای از دانشجویان تغییر می‌کنند و افراد دیگری جایگزین می‌شوند که سلاقی و ویژگی‌های خاص خود و متفاوت با پیشینیان را دارند. همچنین جوان بودن دانشجویان، آنان را در زمره گروه‌هایی قرار می‌دهد که پذیرش سریعی از تحولات و نوآوری‌ها دارند و بیشتر و سریع‌تر در معرض تغییرات اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرند. این بدان معناست که برنامه و طرح‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها بسیار بیشتر از وضعیت فعلی باید مورد توجه متولیان این امر قرار گیرد باید مدام بازپرداخت شوند و نوآوری بر مبنای واقعیت شرط کلیدی این امر است. چرا که در کنار موضوع فوق باید متوجه این نکته بود که تحولات سریع و گسترده جهان امروز، تمام مرزها و زوایای جوامع انسانی را درنوردیده است. سازمان‌ها و نهادها، ایده‌ها، اندیشه‌ها و به طور کلی نظریه‌ها و الگوها، همه در روند تحول، تجدید، ترمیم و تکمیل قرار گرفته‌اند. این تحول، به صورت مستمر در جریان است و نسل جوان بیشتر از سایر اقشار اجتماعی با این تغییرات روبروست و احتمالاً زودتر از سایر گروه‌ها پذیرای این تغییرات است. این موضوع بدین معناست که نه تنها دانشجویان به شکل مداوم تغییر پیدا می‌کنند و دانشجویان جدید به دانشگاه‌ها وارد می‌شوند، خود دانشجویان نیز به طور عام در معرض تغییرات هستند. از سوی دیگر دانشگاه تا دهه شصت و هفتاد عمدتاً نهادی در خدمت دولت‌ها و تامین دانش فنی مورد نیازها آن‌ها بود، اگرچه جریان‌های فکری منتقد و مخالف هم در آن رشد می‌کرد؛ اما از آن زمان به بعد تا روزگار کنونی، دانشگاه پایگاهی برای گسترش دموکراسی، حقوق بشر و مفاهیمی مانند عدالت، خوشبختی، برابری و رهایی شده است (فاضلی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱).

حال جای این سوال باقی است که وقتی دانشجویان در دانشگاه‌ها نتوانند از نظر فرهنگی و اجتماعی ارتقاء پیدا کنند و به نیازها و خلاءهای فرهنگی و اجتماعی‌شان در دانشگاه‌ها پاسخ داده نشود در کدام بستر و نهاد می‌توان انتظار افزایش حس مشارکت‌جویی، قانون‌پذیری، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، تعالی‌معنوی و آگاهی و اطلاعات و سرمایه فرهنگی را به عنوان شهروند حرفه‌ای داشت؟ لذا وقتی قشر دانشگاهی ما که جزو قشر فرهیخته و تاثیرگذار جامعه است به بلوغ

۸۸..... پژوهش نامه علوم اجتماعی ، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۸

فرهنگی و اجتماعی نرسد نمی توان انجام رسالت امروزی را از دانشجو به عنوان قشر فرهیخته جامعه انتظار داشت و بالتبع وضعیت مناسب فرهنگی و اجتماعی فعال و خلاق را از جامعه نمی توان متصور بود.

منابع

- آگاه، حمید(۱۳۴۲). "رسالت دانشگاه در ایران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی
الویری، محسن(۱۳۸۱). **رسالت آموزش عالی**. دایره المعارف آموزش عالی. تهران، انتشارات وزارت علوم و تحقیقات و فناوری،
صص ۵۴۱-۵۴۷
- بورديو، پی‌یر(۱۳۸۱). **نظریه کنش**. ترجمه مرتضی مردی‌ها. چاپ دوم. تهران: انتشارات نقش نگار،
جنکینز، ریچارد(۱۳۸۵). **پی‌یر بورديو**. ترجمه لیلاجواشان و حسن چاوشیان. تهران: نشرنی،
- دایره‌المعارف آموزش عالی**(۱۳۸۳). زیر نظر نادر قلی قورچیان، حمیدرضا آراسته، پریش جعفری. تهران: انتشارات وزارت علوم
و تحقیقات و فناوری،
- روشه، گی(۱۳۷۶). **جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز**. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: انتشارات تبیان،
- صالحی، علی‌اکبر، محمدباقر غفرانی(۱۳۷۴). نقش آموزش عالی دولتی در ایران. **فصلنامه علمی - پژوهشی شریف**. سال یازدهم،
شماره ۱۱، مهر
- علاقه‌بند، علی(۱۳۷۲). **جامعه‌شناسی آموزش و پرورش**. چاپ دوم. تهران: موسسه انتشارات بعثت،
- عبداللهی، محمد(۱۳۸۲). هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران. **نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران**. دفتر اول.
فاضلی، محمد(۱۳۸۷). تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی. **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. سال اول، شماره ۱ بهار(۱)
صص ۱۷۵-۱۹۸
- فیوضات، یحیی(۱۳۸۲). **نقش دانشگاه در توسعه ملی**. تهران: نشر ارسباران،
- معسنی، منوچهر(۱۳۷۸). "دانشگاه در بستر رشد تاریخی از نظر ساختارها و نقش‌ها". مجموعه مقالات سمینار دانشگاه، جامعه و
فرهنگ اسلامی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی
- معیدفر، سعید(۱۳۸۷). نشست «**پرسی انتقادی ساختار و جایگاه اجتماعی دانشگاه در ایران**» در انجمن جامعه‌شناسی
ایران
- فولتون، او(۱۳۷۶). **مطالعات آموزش عالی**. ترجمه غلامعلی سرمد. گزیده مقالات دایره‌المعارف آموزش عالی در تهران.
موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
- هابرماس، یورگن(۱۳۷۳). رسالت دانشگاه در جامعه مدرن. ترجمه حسینعلی نوذری. **نشریه رهیافت**، شماره ۶

- Ballantyne,R,Bain,J.& Paker,J(1999).**Researching University Teaching in Australia: Themes and Issues in Avafemics Reflections**. “ Studies in Higher Education.
Delanty. G. (2002) **Challenging Knowledge: The University in the Knowledge Society**.
London: The Society for Research in Higher Education, Open University Press.
Collingford, C(2004).**Conclusion The Future- is Sustainability Sustainable In John Blewitt & Cardic Collingford, The Sustainability Curriculum:The Challenge for Higher Education, Eartscan Publications.**

Students' Attitudes About Socio-Cultural Functions of The Universities

Professor Ali Reza Kaldi, University of Social Welfare & Rehabilitation Sciences
Fatemeh Fallah, MA.

Today, key missions and functions of the universities, associated with efforts in scientific functions and responsibilities, social and cultural missions of the universities are extremely on the focus. Although, training and investigating functions of the universities, including production, training and distributing knowledge and educating experts, are very essential and as intrinsic responsibilities of the universities, social and cultural functions, including assistance in cultural development, historical knowledge, cultural assets, social participation and renaissance of the society, sociability, spiritual eminence and so, become very important; and necessity of considering it has changed to a vital matter. Considering importance and necessity of the matter, general objective of the investigation is study of social and cultural functions of the universities and amount of their fulfillment from the scholars' perspective, including their personal characteristics and social-economical bases of their families. Fulfillment of the above mentioned objective and accurate identification of the problem's dimensions is on the pledge of previous researches evaluation and looking attentively at available hypotheses. To fulfill the foremost problem, investigation on the light of functionalism and AGIL theoretical model, by measurement investigation between 400 scholars of all levels of education in Islamic Azad University, Science and Research Unit, were analyzed. Sampling was done in several stages and gathering information technique was done by self-reporting and structural questionnaire. The results show that there are relation between respondents' attitudes and cultural capital, according to their age, sex, discipline and level of education.

Key words: Function, Sociability, Collective participation, Self-confidence morale, Spiritual eminence, Historical knowledge and Social-economical base.